

عدالت سیاسی

به کوشش: سید کاظم سید باقری

شناسنامه پژوهشی

- عنوان تحقیق: عدالت سیاسی
- پژوهشگر: نظام‌های اسلامی
- گروه علمی: سیاست
- محقق: سید کاظم سید باقری



وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

عدالت سیاسی

نویسنده: سید کاظم سید باقری

ناشر: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

چاپ اول: ۱۳۹۱

شمارگان: ۱۰۰۰

قیمت: ۲۲۰۰۰ تومان

طراح جلد: سید ایمان حسینی

چاپ و صحافی: مجاب

سرشناسه: سید باقری، کاظم.

عنوان و نام پدیدآور: عدالت سیاسی / سید کاظم سید باقری.

مشخصات نشر: تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۲.

مشخصات ظاهری: ۵۱۰ ص.

شابک: ۸ - ۲۵۲ - ۱۰۸ - ۶۰۰ - ۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی: فیا

یادداشت: کتابنامه.

یادداشت: نمایه.

موضوع: عدالت (اسلام).

موضوع: اسلام و سیاست.

شناسه افزوده: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

رده بندی کنگره: ۱۳۹۲ / ۹۴ / ۱۲ / ۲۳۰ BP

رده بندی دیویی: ۲۹۷ / ۴۸۳

شماره کتابشناسی ملی: ۲۳۳۶۱۴۶

تقاطع بزرگراه شهید مدرس و خیابان شهید بهشتی، پلاک ۵۶

تلفن: ۸۸۵۰۵۴۰۲ - ۸۸۵۰۳۳۴۱

www.poiict.ir

همه حقوق محفوظ است

فهرست

۱۹	پیشگفتا
۲۳	مقدمه
۳۷	کتابنامه
۳۷	۱. فارسی
۳۷	۲. لاتین
۳۹	فصل اول: مفاهیم و کلیات
۴۱	گفتار اول: عدالت اجتماعی و مسائل آن
۴۱	مقدمه
۴۲	۱. عدالت به صورت وصف ساختار اجتماعی
۴۵	۲. معیارهای عدالت
۴۹	۳. مشکل تعمیم‌گرایی
۵۰	۴. مبانی فلسفی و نظریه عدالت
۵۰	۵. مسئله توجیه اصول عدالت
۵۴	۶. رابطه حق و خیر
۵۷	۷. رابطه نظریه عدالت با تصویری خاص از فرد
۶۱	کتابنامه
۶۳	گفتار دوم: شاخص‌های عدالت

۶۳	 مقدمه
۶۴	 ۱. مفهوم شناسی عدالت
۶۴	 ۱-۱. قراردادن و قرائت هر چیز در جای خودش
۶۵	 ۱-۲. انصاف و داد
۶۷	 ۱-۳. مساوات
۶۹	 ۱-۴. رعایت حقوق و رساندن هر ذی حق به حقش
۷۰	 ۱-۵. اعتدال و میانه روی
۷۱	 ۱-۶. ایگانگی و اهمیت عدالت
۷۳	 ۱-۷. عدالت توزیعی
۷۳	 ۱-۸. عدالت رویه ای
۷۴	 ۱-۹. عدالت ماده ای
۷۴	 ۳. شاخص های عدالت
۷۵	 ۳-۱. شاخص های عدالت توزیعی در نامه امام علی علیه السلام به مالک اشتر
۷۵	 ۳-۲. شاخص های عدالت رویه ای در نامه امام علی علیه السلام به مالک اشتر
۷۶	 ۳-۳. شاخص های عدالت ماده ای در نامه امام علی علیه السلام به مالک اشتر
۷۷	 ۱. متصف بودن مدیران به عدالت
۸۱	 ۲. شایسته سالاری
۸۴	 ۳. عدالت در سیاست گذاری ها
۸۵	 ۴. عدالت در نظارت و ارزیابی
۸۸	 ۵. نظام حقوق و پاداش دهی متناسب
۹۱	 کتابنامه
۹۱	 ۱. فارسی
۹۳	 ۲. لاتین
۹۵	 گفتار سوم: عدالت؛ ماهیت، شاخص ها و موانع اجرایی آن
۹۵	 مقدمه
۹۶	 ۱. پرسش اول
۹۷	 ۲. پرسش دوم
۹۷	 ۳. پرسش سوم

۴. گزاره‌های کشفی و اعتباری - امور عینی و ذهنی	۹۷
۴-۱. گزاره‌های کشفی (Descriptive Judgment)	۹۸
۴-۱-۱. امور عینی (Objective)	۹۸
۴-۱-۲. امور ذهنی (Subjective)	۹۸
۴-۲. گزاره‌های اعتباری (Prescriptive Judgment)	۹۹
۵. موانع اجرایی تحقق عدالت در جامعه چیست؟	۱۱۴
۵-۱. عدالت سیستمی و ظلم سیستمی	۱۱۴
کتابنامه	۱۱۹
فصل دوم: عدالت و مفاهیم همسو	۱۲۱
گفتار اول: عدالت و آزادی در اندیشه سیاسی اسلام	۱۲۳
مقدمه	۱۲۳
۱. تبیین و تحلیل مفاهیم	۱۲۵
۱-۱. عدالت	۱۲۵
۱-۲. عدالت سیاسی	۱۲۶
۱-۳. آزادی سیاسی	۱۲۶
۱-۴. اندیشه سیاسی اسلام	۱۲۸
۲. در جست‌وجوی تعامل میان عدالت و آزادی	۱۲۹
۲-۱. عدالت و آزادی در مسیر تعالی	۱۲۹
۲-۲. عدالت و آزادی، مکمل یکدیگر	۱۳۱
۲-۳. عدالت، قید آزادی	۱۳۲
۳. بنیادهای نظری تعامل عدالت و آزادی	۱۳۲
۳-۱. عدم پیروی از طاغوت	۱۳۲
۳-۲. انسان، خردورز و بااختیار	۱۳۳
۳-۳. انسان، دارای مسئولیت	۱۴۰
۴. برخی از جلوه‌های تعامل عدالت و آزادی در اندیشه سیاسی اسلام	۱۴۲
۴-۱. حاکمیت قانون الهی	۱۴۲
۴-۲. نقد و انتقادپذیری	۱۴۶

۱۴۸.....	۴-۳. همیاری سیاسی.....
۱۵۰.....	۴-۴. مشورت و رایزنی.....
۱۵۲.....	۵. نتیجه‌گیری.....
۱۵۶.....	فرایند و برآیند تعامل عدالت و آزادی در اندیشه سیاسی اسلام.....
۱۵۹.....	کتابنامه.....
۱۵۹.....	۱. فارسی.....
۱۶۲.....	۲. لاتین.....
۱۶۵.....	گفتار دوم: پیوند میان عدالت و مشورت.....
۱۶۵.....	مقدمه.....
۱۶۹.....	۱. بنیادهای نظام شورایی و استبدادی.....
۱۷۲.....	۲. میان عدالت و شورا در قرآن.....
۱۷۵.....	۳. مشورت در جهت عدالت سیاسی.....
۱۷۷.....	۴. نتیجه‌گیری.....
۱۸۱.....	کتابنامه.....
۱۸۱.....	۱. فارسی.....
۱۸۳.....	۲. لاتین.....
۱۸۵.....	فصل سوم: عدالت سیاسی در دیدگاه امام علی (ع).....
۱۸۷.....	گفتار اول: پیوند سیاست و عدالت در سیره حضرت فاطمه (س).....
۱۸۷.....	مقدمه.....
۱۸۹.....	۱. مفاهیم بحث.....
۱۸۹.....	۱-۱. عدالت.....
۱۸۹.....	۱-۲. سیاست.....
۱۸۹.....	۱-۳. سیاست دینی.....
۱۹۰.....	۲. اهداف سیاست.....
۱۹۱.....	۳. مشروعیت سیاست.....
۱۹۳.....	۴. امامت و رهبری سیاسی جامعه.....
۱۹۶.....	۵. ویژگی‌های حاکمیت مطلوب.....

۱۹۶	۵-۱. مشروعیت الهی
۱۹۷	۵-۲. هدایتگری
۱۹۷	۵-۳. رفاه همراه با آرامش
۱۹۷	۵-۴. خیرخواهی
۱۹۷	۵-۵. قناعت حاکمان
۱۹۸	ع۵. آشکارشدن چهره واقعی افراد
۱۹۸	ع۶. آسیب‌شناسی سیاست
۱۹۸	ع۷. روی گردانی از آموزه‌های دین
۱۹۹	ع۸. گراموشی ارزش‌های اصیل
۱۹۹	ع۹. خانه‌نشینی شایستگان
۲۰۰	۷. عدالت مطلوب
۲۰۲	نتیجه‌گیری
۲۰۳	کتابنامه
۲۰۳	۱. فارسی
۲۰۵	۲. لاتین
	گفتار دوم: عدالت‌خواهی و خودکامگی ستیزی در اندیشه سیاسی علی‌علیه
۲۰۷	۱. اهمیت عدالت
۲۰۷	۲. تعریف‌های عدالت و تأکید بر ویژگی اجتماعی
۲۰۹	۳. رابطه عدالت با حق
۲۱۵	۴. همسانی عدالت با عقل و خرد عملی
۲۱۶	۵. الهی و ایمانی بودن پایه‌ها و مبانی و منابع عدالت
۲۱۷	۶. عدالت رمز بقای استحکام و ترقی نظام سیاسی و ضامن ثبات و امنیت واقعی و منافی خشونت
۲۱۸	۷. تأکید بر عدالت در گزینش و عملکرد کارگزاران نظام، انتخاب اصلح به معنای عادلانه‌ترین راه
۲۲۰	۸. نهی شدید از استبداد و خودکامگی و ضرورت رعایت عدالت در حقوق متقابل مردم و حکومت
۲۲۱	

- ۲۲۴..... ۹. امر به مقابله با جائران و ضرورت آن
- ۲۲۵..... ۱۰. عدالت بالاترین و برترین مصلحت
- ۲۲۷..... کتابنامه
- ۲۲۹..... گفتار سوم: امام علی (ع) و ابعاد عدالت اجتماعی
- ۲۲۹..... مقدمه
- ۲۳۱..... ۱. پیشینه عدالت سیاسی - اجتماعی
- ۲۳۵..... ۲. ابعاد عدالت اجتماعی در سیره امام علی (ع)
- ۲۴۲..... ۳. عدالت اجتماعی در عهدنامه مالک اشتر
- ۲۵۱..... ۴. عدالت اجتماعی در مکاتب
- ۲۵۷..... ۵. عدالت اجتماعی، نیاز امروز بشر
- ۲۵۹..... یادداشت
- ۲۶۱..... کتابنامه
- ۲۶۱..... ۱. فارسی
- ۲۶۱..... ۲. لاتین
- ۲۶۵..... گفتار چهارم: امام علی (ع)، عدالت و خشونت
- ۲۶۵..... مقدمه
- ۲۶۵..... ۱. عدالت و قدرت
- ۲۶۸..... ۲. عدالت، آرمان‌گرایی و نفی «اصالت غلبه»
- ۲۶۹..... ۳. تعریف عدالت
- ۲۶۹..... ۳-۱. عینی و ملموس
- ۲۷۰..... ۳-۲. هرچیز در جای خویش (وضع الشيء فی موضعه)
- ۲۷۰..... ۳-۳. اهمیت اجتماعی «عدالت»، علاوه بر جنبه فضیلت
- ۲۷۱..... ۳-۴. موزون و متعادل
- ۲۷۱..... ۳-۵. نفی هرگونه تبعیض و رعایت همه استحقاق‌ها
- ۲۷۲..... ۳-۶. رعایت حقوق افراد (رابطه حق و حق‌دار)
- ۲۷۲..... ۳-۷. همسانی «عدالت» با «عقل عملی»
- ۲۷۳..... ۳-۸. عدالت به معنای تقوای الهی (ملکه نفسانی انجام واجبات و ترک منهیات)
- ۲۷۳..... ۳-۹. الهی‌بودن «مبانی و منابع عدالت»

۴. «عدالت»، رمز بقا و امنیت نظام سیاسی ۲۷۴
۵. «عدالت»، نفی خودکامگی و خشونت در روابط حکومت و مردم ۲۷۷
۶. ضرورت اعمال قدرت و قاطعیت ۲۸۰
۷. نتیجه‌گیری ۲۸۲
- کتابنامه ۲۸۵
۱. فارسی ۲۸۵
۲. لاتین ۲۸۶

- فصل دوم: عدالت سیاسی از دیدگاه اندیشوران معاصر ۲۸۷
- گفتار اول: عدالت و کرامت انسانی در اندیشه امام خمینی (ره) ۲۸۹
- مقدمه ۲۸۹
۱. تبیین کرامت ۲۹۲
- ۱-۱. کرامت ۲۹۲
- ۱-۲. کرامت انسانی ۲۹۲
- ۱-۲-۱. کرامت ذاتی ۲۹۳
- ۱-۲-۲. کرامت اکتسابی ۲۹۳
- ۱-۳. عدالت ۲۹۳
- ۱-۴. عدالت اجتماعی ۲۹۴
۲. مقام انسان در دین اسلام ۲۹۵
۳. پیوند عدالت و کرامت انسانی ۳۰۱
۴. ظرفیت‌های عدالت برای حفظ کرامت انسانی ۳۰۴
- ۴-۱. براندازی فقر ۳۰۴
- ۴-۲. نبود تبعیض و برابری فرصت‌ها ۳۰۴
- ۴-۳. محدود کردن قدرت مطلق ۳۱۱
- ۴-۳-۱. شورا و مشورت ۳۱۵
- ۴-۳-۲. امر به معروف و نهی از منکر ۳۱۶
- ۴-۴. محدود کردن انباشت سرمایه ۳۱۷
- ۴-۴-۱. حرمت ربا ۳۱۹

- ۳۲۱..... ۴-۴-۲. نظارت بر اموال
- ۳۲۳..... ۴-۵. برآوردن عزتمندانه نیازها
- ۳۲۵..... ۴-۶. ایجاد رفتارهای صادقانه
- ۳۲۷..... ۵. نتیجه گیری
- ۳۳۱..... کتابنامه
- ۳۳۱..... ۱. فارسی و عربی
- ۳۳۵..... ۲. لاتین
- ۳۳۷..... گفتار سوم: عدالت و آزادی در رویکرد آیت الله سید محمدباقر صدر ... ۳۳۷
- ۳۳۷..... ۱. عدالت اجتماعی - سیاسی در جامعه
- ۳۳۸..... ۱-۱. به عنوان موضوع عدالت
- ۳۳۸..... ۱-۲. جهان هستی به عنوان موضوع عدالت
- ۳۳۹..... ۱-۳. جامعه به عنوان موضوع عدالت
- ۳۳۹..... ۱-۴. دین و شریعت به عنوان موضوع عدالت
- ۳۳۹..... ۲. مفهوم و چیستی عدالت اجتماعی سیاسی
- ۳۴۰..... ۲-۱. تکافل اجتماعی سیاسی
- ۳۴۱..... ۲-۲. توازن اجتماعی سیاسی
- ۳۴۲..... ۲-۳. تأمین اجتماعی سیاسی
- ۳۴۳..... ۳. آزادی و آزادی سیاسی
- ۳۴۴..... ۳-۱. آزادی طبیعی
- ۳۴۵..... ۳-۲. آزادی اجتماعی سیاسی
- ۳۴۵..... ۳-۲-۱. آزادی اجتماعی سیاسی ذاتی
- ۳۴۵..... ۳-۲-۲. آزادی اجتماعی سیاسی صوری
- ۳۴۷..... ۴. نتیجه گیری
- ۳۴۹..... کتابنامه
- ۳۵۱..... گفتار سوم: فلسفه عدالت در اندیشه سیاسی مقام معظم رهبری
- ۳۵۱..... ۱. چیستی عدالت
- ۳۵۵..... ۲. گستردگی عدالت به تناسب ابعاد زندگی
- ۳۵۶..... ۳. گستردگی در عرصه هستی

۳۵۶	۴. گسترده‌گی در هدف‌ها و غایت‌ها.....
۳۵۷	۵. گستره زمانی عدالت.....
۳۵۷	۶. مطلق بودن مفهوم عدالت.....
۳۵۹	۷. گستره استعمال‌ها.....
۳۶۰	۸. گستره ارتباط عدالت با دیگر مفهوم‌های سیاسی.....
۳۶۰	۹. وجود قاعده‌های پیشینی و ضابطه‌های پسینی.....
۳۶۱	۱۰. عدالت به مثابه بنیاد اندیشه سیاسی.....
۳۶۳	۱۱. نسبت عدالت با مفهوم‌های همسو.....
۳۶۶	۱۲.۱. گستره سیاسی عدالت.....
۳۶۷	۱۲.۱.۱. عدالت تکوینی.....
۳۶۷	۱۲.۱.۲. عدالت امنیتی.....
۳۶۸	۱۲.۳. عدالت آرمانی.....
۳۶۸	۱۲.۴. عدالت عملی.....
۳۶۸	۱۲.۵. عدالت دینی.....
۳۶۹	۱۲.۶. عدالت حقوقی.....
۳۶۹	۱۲.۷. عدالت فردی.....
۳۷۰	۱۲.۸. عدالت اجتماعی.....
۳۷۰	۱۲.۹. عدالت سیاسی.....
۳۷۰	۱۲.۱۰. عدالت اقتصادی.....
۳۷۱	۱۲.۱۱. عدالت الگویی.....
۳۷۱	۱۲.۱۲. عدالت انتظاری.....
۳۷۱	۱۲.۱۳. عدالت خدماتی.....
۳۷۱	۱۲.۱۴. عدالت ارزشی.....
۳۷۱	۱۲.۱۵. عدالت رهایی‌بخش.....
۳۷۳	۱۳. آسیب‌ها و موانع تحقق عدالت.....
۳۷۴	۱۴. مشکل‌های ناشی از زمینه‌های کج‌فهمی از عدالت‌خواهی.....
۳۷۵	۱۵. اغراض شخصی و هوا و هوس.....
۳۷۶	۱۶. غرض‌های سیاسی درباره عدالت.....

۱۷. حاکمیت اندیشه لیبرالیستی ۳۷۶
۱۸. حاکمان آلوده و مستکبر ۳۷۷
۱۹. حاکمیت طاغوت ۳۷۷
۲۰. سرپیچی از قانون‌های الهی ۳۷۷
۲۱. تبلیغ‌های اغواکننده ۳۷۸
۲۲. محیط مغایر با عدالت ۳۷۸
۲۳. ایده جدایی دین از سیاست ۳۷۹
۲۴. شکاف بین فقیر و غنی ۳۷۹
۲۵. ان معنویت ۳۸۰
۲۶. عقلت ۳۸۰
۲۷. ده فتن شاه آرمانی عدالت ۳۸۱
۲۸. فقدان اصول، فقدان مجری عادل و عدم اجرای عدالت ۳۸۲
۲۹. عدم تزکیه و اصلاح نفس فردی ۳۸۳
۳۰. فقدان همسویی توسل اقتصادی و عدالت ۳۸۳
۳۱. فقدان برنامه اجرایی برای تحقق عدالت ۳۸۴
۳۲. نتیجه‌گیری ۳۸۴
- کتابنامه ۳۸۷
- فصل پنجم: عدالت سیاسی و تجربه رشد ۳۸۹
- گفتار اول: پیوند عدالت و پیشرفت در حوزه سیاست ۳۹۱
- مقدمه ۳۹۱
۱. بنیادهای نظری عدالت برای پیشرفت ۳۹۳
- ۱-۱. انتخاب و مشارکت سیاسی ۳۹۴
- ۱-۲. محدودیت قدرت و نقادی آن ۳۹۶
- ۱-۳. احقاق حق ۳۹۸
۲. پیشرفت مطلوب برآمده از عدالت سیاسی ۴۰۰
- ۲-۱. مبتنی بر ارزش‌های بومی ۴۰۱
- ۲-۲. همراه با عقلانیت ۴۰۳

۲-۳. نگرش واقع‌بینانه.....	۴۰۵
۳. نتیجه‌گیری.....	۴۰۶
کتابنامه.....	۴۰۹
۱. فارسی.....	۴۰۹
۲. لاتین.....	۴۱۱
ستار دوم: گفتمان عدالت سیاسی در انقلاب اسلامی.....	۴۱۳
۱. گفتمان و تحول تفکر سیاسی.....	۴۱۳
۲. ابدان قبل از ۱۳۵۷، تجربه گسست سیاست و جامعه.....	۴۱۸
ایران انقلابی و تجربه گفتمان عدالت سیاسی.....	۴۱۹
۲. چالش گفتمان عدالت سیاسی: تقویت و گسترش کنشگران فعال.....	۴۲۳
۴۲۵.....	۴۲۵
۴-۲. سیاست مردم و هویت دینی آنان.....	۴۲۶
۵. نتیجه‌گیری.....	۴۲۹
کتابنامه.....	۴۳۱
۱. فارسی.....	۴۳۱
۲. لاتین.....	۴۳۲
فصل ششم: عدالت سیاسی در دیدگاه اندیشوران غرب: نقد و بررسی.....	۴۳۳
گفتار اول: حکومت دینی؛ عدالت‌گستری یا آسیب‌رزش و آزادی انسان (نقد اندیشه کانت).....	۴۳۵
مقدمه.....	۴۳۵
۱. دیدگاه کانت در مورد حکومت دینی و نقد آن.....	۴۳۵
۲. تعریف عدالت.....	۴۳۷
۳. پایه‌های حکومت دموکراسی.....	۴۴۰
۳-۱. حکمرانی جهالت.....	۴۴۰
۳-۲. مطلوبیت ثروت.....	۴۴۰
۳-۳. نبود حکومت اکثریت.....	۴۴۱
۳-۴. آموزش دروغین.....	۴۴۱

- ۳-۵. تردید در ارزش اخلاقی دموکراسی ۴۴۱
۴. حکومت دینی ۴۴۲
۵. نتیجه‌گیری ۴۴۵
- کتابنامه ۴۴۷
۱. فارسی ۴۴۷
۲. لاتین ۴۴۷
- گفتار دوم: بررسی و نقد نظریه عدالت جان راولز ۴۴۹
۱. اهمیت و جایگاه نظریه راولز ۴۴۹
۲. بهرہ سوم: شخصیت راولز و بحران موجد نظریه پردازی او ۴۵۱
۳. بهرہ سوم: پیش‌فرض‌ها و پژوهش ۴۵۳
۴. بهرہ چهارم: «کانت‌گرایی و نقد فایده‌گرایی» ۴۵۴
۵. بهرہ پنجم: «جدید طلبی» «راولز متأخر» نسبت به «راولز متقدم» ۴۵۸
۶. بهرہ ششم: تبیین نظریه‌های راولز ۴۶۰
۷. بهرہ هفتم: نقدهای وارده بر نظریه راولز ۴۶۶
- ۷-۱. انتقادهای عام یا کلی ۴۶۶
- ۷-۲. انتقادهای خاص ۴۶۸
- ۷-۲-۱. انتقاد از قالب و بستر اصالت نظریه راولز یعنی لیبرالیسم ۴۶۸
- ۷-۲-۲. نسبیّت عدالت و معیارناپذیری عدالت ۴۶۹
- ۷-۲-۳. ایدئولوژیک و جانب‌دارانه و بومی‌بودن نظریه راولز ۴۶۹
- ۷-۲-۴. فقدان نوآوری ۴۷۱
- ۷-۲-۵. فقدان انسجام و شفافیت لازم و ابهام و تقصیرپذیری زیاد نظریه ۴۷۱
- ۷-۲-۶. خنثا و تهی‌بودن عدالت در نظریه راولز ۴۷۲
- ۷-۲-۷. معطوف‌بودن به پوچی و پوچ‌گرایی ۴۷۳
- ۷-۲-۸. غایب‌بودن و ملحوظ‌نکردن بسیاری از تلقی‌های دیگر از عدالت ۴۷۳
- ۷-۲-۹. تردیدپذیربودن ضدیت با فایده‌انگاری ۴۷۴
- ۷-۲-۱۰. نگاه غیرساختاری و انتزاعی به عدالت اجتماعی ۴۷۵
- ۷-۲-۱۱. ایرادات وارد بر الگوی قرارداد یا توافق اجتماعی ۴۷۶

۴۷۶	 ۷-۲-۱۱-۱ ایرادات کلی
۴۷۶	 ۷-۲-۱۱-۲ غیر واقعی و مفروض بودن قرارداد یا توافق اجتماعی
۴۷۷	 ۷-۲-۱۱-۳ فقدان ضمانت اجرای مصوبات قرارداد
۴۷۷	 ۷-۲-۱۱-۴ برآیند توافق همواره عدالت و امر عادلانه نیست
۴۷۸	 ۷-۲-۱۱-۵ فقدان دلیل بر حتمی بودن انجام توافق
۴۷۸	 ۷-۲-۱۱-۶ مستدل نبودن دستیابی به عدالت از طریق قرارداد
۷-۲-۱۱-۷	 فقدان ارتباط همیشگی میان «توافق»، «حقانیت» و «سعادت»
۴۷۸	 ۷-۲-۱۱-۸ فقدان ارائه راهکار در صورت عدم عقد توافق
۴۷۹	 ۷-۲-۱۲ ایرادهای متوجه «وضعیت اصیل یا نخستین»
۴۸۰	 ۷-۲-۱۲ ایرادات متوجه دو اصل عدالت: آزادی، تمایز یا نابرابری
۴۸۱	 ۸ نتیجه
۴۸۳	 کتابنامه
۴۸۳	 ۱. فارسی
۴۸۴	 ۲. لاتین

۴۸۷	 فهرست آیات
۴۹۳	 فهرست روایات
۴۹۷	 نمایه
۵۰۷	 نمایه موضوعی

پیشگفتار

پیشگیری از سلب شکوهمند اسلامی و استقرار نظامی براساس آموزه‌ها و احکام آن در این کتاب از یک سو و شکست مکتب‌های بشری و ناکامی نظام‌های گوناگون اجتماعی در تأمین نیازهای مادی و معنوی انسان از سوی دیگر، بر گستره انتظار بشر از اسلام افکنده است.

انتظار آن است که اسلام به دنبال هدایت فرد و اداره جامعه تبیین، نظام‌های اجتماعی آن ترسیم و دیدگاه آن در رویارویی با یافته‌های علوم انسانی و مکتب‌های بشری، با منطقی منسجم و مستند ارائه گشته، پیشش‌ها، ارزش‌ها و منش‌های دینی متدینان، آسیب‌شناسی و مساحت قدسی دین از پیرایه‌های موهوم و موهون، پیراسته گردد.

تحقق این امور، پژوهشی دقیق، جامع و سهولت‌آمیز در سار کشف و بازآفرینی آموزه‌های اسلام و نظام‌های اجتماعی آن و به‌کارگیری آن‌ها در تلاشی شایسته و روزآمد می‌طلبد و این امر بدون تأسیس نهادهای پژوهشی و آموزشی محض و کارآمد میسر نیست.

بدین منظور پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی که نهادی علمی است، در سال ۱۳۷۳ تأسیس شد.

این پژوهشگاه در قالب چهار پژوهشکده حکمت و دین‌پژوهی، پژوهشکده نظام‌های اسلامی، پژوهشکده فرهنگ و مطالعات اجتماعی، پژوهشکده دانشنامه‌نگاری دینی و همچنین مرکز پژوهش‌های جوان فعالیت می‌کند.

پژوهشکده نظام‌های اسلامی که مشتمل بر پنج گروه اقتصاد، فقه و حقوق، سیاست، اخلاق و مدیریت اسلامی است، به‌طور خاص با مطالعه نظامات اجتماعی، اهداف زیر را تعقیب می‌کند:

۱. کشف و طراحی نظام‌های سیاسی، حقوقی، اقتصادی، اخلاقی و

مدیریتی اسلام؛

۲. تحقیق و تبیین عالمانه مبانی و مباحث اساسی نظامات اجتماعی اسلام و ارائه الگوهای کاربردی در قلمرو آن؛

۳. تبیین مبانی نظری و کاربردی نظام جمهوری اسلامی ایران و مدد رسانی به مسئولان امور و بسترسازی برای تحقق کامل‌تر نظام‌های اسلامی؛

۴. تحقیق درباره مسائل مستحدثه با انگیزه گره‌گشایی در زمینه نیازهای نوپیدای فقهی؛

۵. پاسخگویی به نیازهای طرح درباره فقه و نظام‌های سیاسی، حقوقی،

اقتصادی، اخلاقی و مدیریتی اسلام؛

۶. شناخت و نقد علمی سبب‌ها و نشانیات معارض.

مجموعه حاضر نتیجه تدریس علمی محققان ارجمند حجت‌الاسلام

والمسلمین جناب آقای دکتر احمد واعظی، جناب آقای دکتر محمد

محمدرضایی، جناب آقای دکتر مسعود پورفرحان، حجت‌الاسلام

آقای دکتر محسن مهاجرنیا، جناب آقای دکتر سید محمد رحمان، حجت‌الاسلام

والمسلمین جناب آقای دکتر سید کاظم سیدباقری، جناب آقای دکتر حمید

مولانا، جناب آقای دکتر بهرام اخوان‌کاسظمی، جناب آقای دکتر محمد رحیم

عیوضی و حجت‌الاسلام والمسلمین جناب آقای دکتر علی‌اکبر پیرزاد می‌باشد که

در گروه سیاست پژوهشکده نظام‌های اسلامی به سامان رسیده است. به بحث

عدالت سیاسی می‌پردازد که با کوشش حجت‌الاسلام والمسلمین جناب آقای

سیدباقری تدوین و تنظیم شده است.

نویسندگان در این نوشتار در جست‌وجوی آن بوده‌اند تا جوهره و سرشت

اندیشه سیاسی اسلام یعنی عدالت را بررسند؛ امری که شاید بتواند فهم چستی

و ماهیت آن، راهگشای مسائل بسیاری در عرصه نظر و عمل باشد و گشاینده افق‌های نخستین برای تحلیل و بررسی دقیق‌تر عدالت سیاسی گردد.

در این مجموعه، نویسندگان، نگاه‌ها، نگرش‌ها و دیدگاه‌های موجود در عدالت سیاسی را تحلیل کرده‌اند. عدالت سیاسی، مفاهیم همسوی آن، سیره اهل بیت (علیهم‌السلام) و نگرش اندیشوران معاصر در این گستره مورد توجه قرار گرفته است. تکاپو برای فهم پشتوانه‌های نظری و پیوند استوار میان عدالت و شرف نیز مورد نظر بوده است؛ ضمن آنکه برای شفاف‌سازی و مرزگذاری میان اندیشه‌های سیاسی اسلام و مکتب‌های دیگر، با رویکردی تطبیقی و انتقادی، به نقد و بررسی عدالت سیاسی در دیدگاه اندیشوران غربی نیز پرداخته شده است. در این کتاب موضوعات و مسائل مختلفی چون عدالت سیاسی، ماهیت، مسائل، شاخص‌ها و مؤلفه‌های آن، پیوند عدالت و آزادی، پیوند عدالت و مشورت در اندیشه‌های اسلام، پیوند سیاست و عدالت در سیره حضرت فاطمه (س)، عدالت‌خواهی و عدالت‌محوری، سستی در اندیشه سیاسی علی (علیه‌السلام)؛ امام علی (علیه‌السلام) و ابعاد عدالت؛ امام علی (علیه‌السلام)، عدالت و خشونت؛ عدالت و کرامت انسانی در اندیشه امام خمینی (علیه‌السلام)، عدالت و آزادی در رویکرد آیت‌الله سید محمدباقر صدر، فلسفه عدالت در اندیشه امام علی (علیه‌السلام)، مقام معظم رهبری، پیوند عدالت و پیشرفت در حوزه سیاست، گفته‌ها و عدالت سیاسی در انقلاب اسلامی، نقد اندیشه کانت در بحث عدالت و نقد و بررسی طریقه عدالت جان راولز، مورد بررسی قرار گرفته است.

در پایان لازم می‌دانیم از تلاش‌های ارزشمند نویسندگان و مجرم‌نویسان: حجت‌الاسلام والمسلمین جناب آقای دکتر احمد واعظی، حجت‌الاسلام والمسلمین جناب آقای دکتر محسن مهاجرنیا، حجت‌الاسلام والمسلمین جناب آقای دکتر سید کاظم سیدباقری، حجت‌الاسلام والمسلمین جناب آقای دکتر علی آقاپور، جناب آقای دکتر محمد محمدرضایی، جناب آقای دکتر بهرام اخوان‌کاظمی، جناب آقای دکتر مسعود پورفر، جناب آقای دکتر سعید رجحان، جناب آقای دکتر حمید مولانا، جناب آقای دکتر محمدرحیم عیوضی و به‌ویژه

حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای دکتر سیدباقری که این مجموعه را تدوین کرده‌اند، همچنین ارزیابان محترم مقالات و اعضای محترم شورای علمی گروه سیاست که در فرایند انجام این تحقیق همکاری داشته‌اند و سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی که مسئولیت آماده‌سازی، انتشار و توزیع آن را بر عهده دارد، قدردانی و تشکر کنیم.

گروه سیاست

پژوهشکده نظام‌های اسلامی

مقدمه

دین اسلام به عنوان آخرین دین الهی و دینی که به ساحت‌های مادی و معنوی و جبر و اختیار و عبادت دو جهان، توجه ویژه دارد، یکی از آموزه‌های کلیدی آن، عدالت و برابری در آن می‌باشد. این امر به هنگامی که به وجه سیاسی آن توجه می‌شود هم‌چون چندان می‌یابد. در قرآن، هدف از رسالت انبیا، اقامه قسط و عدل ذکر شده است و در کلام پیامبر اسلام ﷺ و ائمه اطهار علیهم‌السلام نیز بر آن تأکیدی ویژه شده است. مظهر عدالت و کلامش، جوهر پایان‌ناپذیر آن است.

عدالت، اکسیری را ماند که به جامعه تعالی، شادابی، طراوت و امید می‌افزاید. در روایت آمده است:

هیچ چیز گسترده‌تر از عدل نیست، آن‌گاه که در میان مردم دادگری جاری شود، گشایش به وجود می‌آید و آسمان، روستا و بیست خود را فرومی‌آورد و زمین به اذن خداوند، برکاتش را بیرون می‌ریزد (موسی، ۱۳۷۷، ج ۴، ص ۱۳۰).

پیامبر گرامی اسلام ﷺ احساسی ژرف به عدالت داشت. این احساس بود که ظلم و ستم را در جامعه‌ای که در آن بالیده بود، فراگیر یافت و برای تأسیس نظامی منسجم که در آن معیار و روش عدل نهاده شود، تلاش کرد. طبیعی بود که با توجه به نقش پیامبریش به ارزش‌های دینی

۱. لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ (حدید: ۲۵).

تأکید کند؛ اما از دیگرسو ازاین جهت، مصلحتی اجتماعی بود (خدوری، ۱۹۹۸، ص ۲۴۹).

عدالت سیاسی یکی از شاخه‌های عدالت اجتماعی^۱ به‌شمار می‌آید. عدالت اجتماعی ارزشی است که با فراگیرشدن آن، جامعه، دارای زمینه‌هایی می‌گردد که افراد به حق خود می‌رسند و امور جامعه، به تناسب و تعادل در جای بایسته می‌نشیند، قرار می‌گیرد.^۲ سیاست به قدرت، چگونگی توزیع آن و نسبت آن با مردم و حاکمان می‌پردازد، لذا عدالت سیاسی عبارت است از ارزشی بنیادین که با فزونی آن، نوعی نسبت میان شهروندان و شهروندان برقرار شود که هر یک حسب می، به حق خود برسد و امور جامعه در پیوند با قدرت، به تناسب و جای بایسته خویش قرار گیرد. در این نوع از عدالت، برابری در حق تعیین سرنوشت و برابری در مقابل قانون، برجسته می‌شود.

شاخص‌های عدالت سیاسی عبارتند از:

الف) «گزینش‌گری و سرنوشت‌سازی شهروندان» با عناصر و آموزه‌هایی مانند: مشورت، امر به معروف و نهی از منکر، نصیحت و نقد کارگزاران؛
 ب) حاکمیت قانون و قدرت با عناصر و اصولی چون حاکمیت خداوندی و اصل عدم حاکمیت فردی بر دیگری، حرکت قدرت در چارچوب قانون الهی؛

ج) تناسب و تعادل:

تناسب: هرکس به هر مقدار که شایستگی دارد، به حقوق دست می‌یابد.
 تعادل: با توجه به اصل لغت «عدالت»، جامع از افراد و تفریط و احساسات بی‌پایه، دور می‌شود.

1. Social Justice.

۲. برای عدالت اجتماعی، تعریف‌های گوناگونی وجود دارد؛ برای نمونه: رک: حیدر زوسی و عبدالفتاح الصعیدی؛ *الانصاح فی فقه اللغة*؛ ج ۱، باب سوم، ص ۲۴۲/ مرتضی مطهری؛ *عدل الهی*؛ ص ۵۹ به بعد/ جمیل صلیبا؛ *فرهنگ فلسفی*؛ ترجمه منوچهر صانعی دره‌بیدی؛ ص ۴۶۱.

Bertrand Russel "Sceptical essays" published in U.K, p. 154, 5.

این شاخص‌ها با توجه به عناصر و اصولی چون همراهی حق و تکلیف و اصل دوری از افراط و تفریط در جامعه پی‌ریزی می‌شود.

برای آنکه دیدگاه و اندیشه سیاسی اسلام در این ساحت، شفاف و روشن گردد، به این نکته کلیدی اشاره می‌شود که شاید بتوان گفت دو نگرش کلی در مطالعات عدالت وجود دارد؛ هرچند که نگرش‌های متفاوتی از درون هریک بیرون می‌آید. این بحث، گاه از زاویه سودگرایی^۱ و «خردابزاری»^۲ و گاه از منظر «یت‌گرایی»^۳ بررسی می‌شود. در نگره نخست، هرآنچه برای «خود» مفید و سودمند باشد، مورد توجه قرار می‌گیرد. در نظام سیاسی باثبات، فرد، خود را صاحب سود می‌پندارد و نسبت به منافع، حساس است (see: David Hume, 1992, p.22). طبیعت برای انسان، دو ابزار فرمای ماهر و مسلط قرار داده است: درد و شادی. این دو به ما می‌گوید که عادت و ناعادلانه چیست؛ بنابراین بیشترین شادی برای بیشترین افراد، بنیاد اخلاق و قانون است (Jeremy Bentham, 2005, p.53). در این انگاره، انسان‌مداری^۴ و «یت‌گرایی»^۵ غالب است. بعضی معتقدند که با این نگرش، عدالت بیش از هر مفهوم اخلاقی دیگر آسیب می‌بیند (Gerald J Postem, p.148)؛ لذا در مکتب عدالت‌اندازی بر ارزش ماهوی عدالت و خیر ذاتی آن، تأکید می‌شود، عدالت تنها ابزاری برای نیل به خیر نیست، بلکه علاوه بر این، جزء بنیادین خیر است (Paul E. Love, 1967, p.33). با توجه به آموزه‌های قرآنی، سود و قرارداد، مبنای عدالت نمی‌باشد بلکه عدالت برای رسیدن جامعه انسانی به هدف مطلوب آفرینش که تکامل و سعادت انسان باشد، دارای جایگاهی بلند است؛ از مفاهیم بنیادین قرآن به‌شمار می‌آید و دارای ارزش ذاتی است. با توجه به آموزه‌های عمیق قرآن در عدالت، می‌توان

1. Utilitarianism.
2. Instrumental Reason.
3. Teleology.
4. Anthropocentrism.
5. Humanism.

دغدغه این مفهوم و اجرایی کردن آن، همواره در ذهن و ضمیر متفکران مسلمان حضور داشته و محک سنجش رفتار سیاسی حاکمان در فرهنگ شیعی بوده است. با رجوع به مفاهیم قرآنی، می‌توان راهکارهایی را مانند امر به معروف و نهی از منکر، شورا، ستم نکردن و نپذیرفتن آن، قیام در برابر ستم، وحدت و همکاری در جلوگیری از ظلم، بازشناسی کرد که جامعه اسلامی را به سوی «الت سیاسی»^۱ به حرکت درآورد.

برای گشوده شدن افق‌های نخستین برای تحلیل و بررسی دقیق‌تر عدالت سیاسی، در نظر اندیشه سیاسی اسلام، کوشیدیم تا در گام اول برخی از نگاه‌ها، نگرش‌ها و دیدگاه‌های موجود را بررسی کنیم. برای این امر در این مجموعه، مقالات را در سه فصل سامان دادیم.

در فصل اول، مفاهیم و کلیات بحث پرداختیم. مقاله اول چند مفهوم کلیدی عدالت را مورد بررسی قرار داده است. در این مقاله، عدالت اجتماعی یا عدالت توزیعی، مورد بحث قرار گرفته است. عدالت توزیعی با تئوری عدالت جان راولز، وارد مرحله جدیدی شده است. مطابق نظر راولز، عدالت یک ارزش ساده در میان ارزش‌های دیگر، بر نظم اجتماعی و روابط انسانی اثر می‌گذارد، نیست، بلکه یک ارزش اجتماعی مبتنی و اساسی است. اهمیت و جایگاه ارزش اجتماعی آن با اهمیت مسئله فقر در معرفت انسانی همسان است. همان‌گونه که اعتبار مشروعیت هر تئوری، میزان شناختی به واسطه مسئله حقیقت، محک زده می‌شود، مشروعیت و کمال هر تئوری اجتماعی نیز بر سازگاری و انطباق آن با اصول عدالت مبتنی است. پرسش جدیدی است تا به مسائل بنیادین عدالت بپردازد؛ مسائلی مانند عدالت به صورت کیفی یا اختار اجتماعی، معیارهای عدالت، مبانی فلسفی و نظریه عدالت، مسئله ترجیح اصول عدالت، رابطه حق و خیر، رابطه نظریه عدالت با تصویری خاص از فرد، در مقاله دوم، عدالت دارای ابعاد گوناگونی همچون عدالت اقتصادی،

سیاسی، فرهنگی و اداری بوده و حوزه‌های مختلف از زندگی جمعی انسان را شامل می‌شود. در حوزه سازمان‌های اجتماعی که سیطره گسترده‌ای بر زندگی امروز انسان‌ها دارد، وجود عدالت نه یک آرمان، بلکه یک ضرورت است؛ زیرا در صورت عدم اجرای آن در سازمان، تحقق عدالت در جامعه، خیالی بیش نخواهد بود. مسئله اصلی این تحقیق عبارت است از: شاخص‌های عدالت سازمانی کدامند تا با تحقق عدالت در آن شاخص‌ها، بتوان به اجرای عدالت در سازمان رسید؟

تبلات و پارسا (۱۳۸۶) این پرسش، مفاهیم عدالت نیز مورد بررسی قرار می‌گیرند. عدالت را می‌توان به سه نوع تقسیم کرد: ۱. عدالت توزیعی که عبارتند از: ۱. قراردادن هر چیزی در جای خود؛ ۲. انصاف؛ ۳. مساوات؛ ۴. رعایت حقوق و رساندن هر ذی‌حقی به حقش؛ ۵. عدالت میان‌روی.

عدالت به سه نوع تقسیم می‌شود: ۱. عدالت توزیعی و مراد از آن تقسیم شده است که هر یک می‌تواند دارای شاخص‌هایی باشد. در این مقاله، عدالت در مهم‌ترین شاخص‌ها مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرند. این شاخص‌ها عبارتند از: ۱. عدالت در مدیریت؛ ۲. عدالت در گزینش، جذب و شایسته‌سالاری؛ ۳. عدالت در سیاست‌گذاری؛ ۴. عدالت در نظارت و ارزیابی عملکرد؛ ۵. عدالت در پرداخت حقوق، دستمزد و پاداش.

روش تحقیق در این تحقیق، کیفی و بر توصیف و تحلیل معنوا متنی است. در این روش گزاره‌های دینی که از معصومان (علیهم‌السلام) و به‌ویژه از امام علی (علیه‌السلام) و حضرت علی (علیه‌السلام) که به ما رسیده است، به تحلیل گذاشته می‌شوند و مستندات دینی که از آنها حاصل می‌آید، ساختار بحث و نتایج آن را مشخص می‌سازد.

در مقاله سوم، نویسنده تلاش دارد تا به مفهوم کاربردی عدالت در شاخص‌های اجرایی و سپس به موانع اجرایی آن بپردازد، برای رسیدن به این هدف، در نوشته سه پرسش مطرح و به آنها پاسخ داده شده است. پرسش اول آن است که اگر عدالت، به معنای «قراردادن هر چیزی در جای خودش» باشد، در این صورت تفاوت آن با نظم چه خواهد بود؟ پرسش دوم به شاخص‌های

اجرائی برای تحقق عدالت در زندگی فردی و اجتماعی مربوط است و پرسش سوم از موانع اجرایی تحقق عدالت می‌پرسد.

نویسنده کوشیده است تا با چند قاعده و رابطه به تحلیلی از مفهوم و قواعد عدالت دست یابد. او در قاعده یک بر این امر تأکید دارد که: «انجام کار صبح به روش صحیح = عمل صالح». رابطه و قاعده دوم این چنین است: «مان (به خدا) + عمل صالح = اعجاز (تحقق غیرممکن در شرایط عادی)». قاعده سوم به میزان رضایت فرد به هنگام اجرایی شدن عدالت اشاره دارد؛ و رابطه چهارم نیز به این امر که بهترین کار به بهترین روش = احسان می‌باشد. در ادامه «عدالت سیستمی و ظلم سیستمی» تحلیل شده است و در پایان بر این امر اشاره شده است که «مداخلت زمان و مکان در اجتهاد»، در مبحث طراحی نظام پویای حکومت اسلامی کاربرد ویژه‌ای دارد و ما را بر آن می‌دارد تا مباحث موجود را به سمت «التجربة» و «نظم پویا» به عنوان دو وجه سکه محصول نظام‌های دینامیک هدایت کنیم.

فصل دوم به «عدالت و مفاهیم سیاسی» پرداخته است. در مقاله اول، تعامل عدالت و آزادی در اندیشه سیاسی اسلام، کنون توجه بوده است. این نوشته، با تکیه بر نصوص دینی، این تعامل را نشان داده است. نویسندگان بر این باور است که عدالت و آزادی در مسیر تعالی می‌باشد هر دو مکمل یکدیگرند و عدالت، قید آزادی است. در ادامه بیان شده است که «ان تعامل»، دارای بنیان‌های نظری می‌باشد که در عدم اطاعت از طاغوت، خردورزی، مبارزه و مسئولیت انسان ریشه دارد. در مرحله بعد برخی از جلوه‌های تعامل این دو مفهوم، بررسی شده است؛ از جمله حاکمیت قانون الهی، نقد و انتقادپذیری، مبارزه سیاسی و مشورت و رایزنی. در ادامه نویسنده تأکید دارد که نوع تعامل عدالت و آزادی با یکدیگر و کنش و واکنش میان آنها به ما یادآوری می‌کند که جامعه مطلوب و معقول دینی، جامعه‌ای است که در آن عدالت و آزادی، با هم تأمین می‌شود و هر دو را برای سعادت انسان و جامعه انسانی به کار می‌گیرد.

در مقاله دوم بر یکی از مفاهیم همسوی عدالت که شورا و مشورت باشد

تأکید شده است. در عین حال که این مفهوم می‌تواند یکی از سازکارهایی باشد که به اجرایی کردن عدالت یاری رساند؛ عدالتی که فراگیری آن موجب عزت و برتری حق، بی‌نیازی مردم، ثبات و آرامش و فراگیر شدن دوستی و محبت می‌شود و موجب آبادانی و افزایش برکت می‌گردد. مشورت، زمینه‌ساز نصیحت قدرت و آزادی بیان در حیطه عدالت می‌باشد. در نظام شورایی هیچ‌کس نمی‌تواند آدمی را برای رسیدن به شناخت برتر و جامعه برتر محدود کند. لذا در این نظام، آزادی و عدالت در کنار هم قرار می‌گیرند. وقتی که به رفتار و کردار است. گران می‌نگریم، حقوق شهروندان را رعایت نمی‌کنند و آنان طرف مشورت حاکمان قرار نمی‌گیرند. به روایت قرآن، خودکامان معمولاً در زمان حاکم خود به بردستان ستم می‌کنند، آنان را می‌کشند، مردم را شکنجه می‌کنند. حق انتخاب را از آنان سلب می‌نمایند و مردم را از ایمان بازمی‌دارند، اما در جامعه عادلانه شهروندان در جایگاه و منزلت واقعی خود قرار می‌گیرند و حق می‌یابند تا امور اجتماعی - سیاسی و فرایند توزیع قدرت، طرف مشورت قرار گیرد.

فصل سوم به عدالت سیاسی در دیدگاه و سیره اهل بیت (علیهم‌السلام) می‌پردازد که خود یکی از منابع مهم در فهم عدالت سیاسی است. مقاله اول این فصل با عنوان «پیوند سیاست و عدالت در سیره فاطمه (س)» در جست‌وجوی رابطه میان سیاست و عدالت از منظر فاطمه زهرا (س) است. نویسنده بر این باور است که در سیره ایشان، سیاست و عدالت در هم تنیده است. سیاستی که در راستای عدالت و اجرای آموزه‌های دین نباشد، ارزشی ندارد. ملائکتی که در قالب نظام ولایت و امامت، تجلی می‌یابد، می‌تواند از پیمایش قدرت در سیاست در مسیر عدالت، مطمئن بود. در نظریه حضرت زهرا (س)، عدالت در تکوین و تشریع جریان دارد و خداوند، انسان را دستور داده است تا در همان مسیر، نظام سیاسی برپا دارد. نوع مطلوب و مشروع حکومت، همان است که معصوم، عهده‌دار آن باشد و حاکمیتی که مشروعیت خود را از خداوند می‌گیرد، باید دغدغه حرکت در این مسیر را داشته باشد. ویژگی‌های حاکمیت

مطلوب از دیدگاه فاطمه زهرا(س)، عبارت است از اموری چون مشروعیت الهی، هدایتگری، رفاه همراه با آرامش، خیرخواهی، قناعت حاکمان و آشکارشدن چهره واقعی افراد. ایشان آسیب‌های سیاست را در مواردی چون روی گردانی از آموزه‌های دین، فراموشی ارزش‌های اصیل و خانه‌نشینی شاہستگان می‌داند.

مقاله دوم این فصل با عنوان «عدالت‌خواهی و خودکامگی‌ستیزی در اندیشه سیاسی علی(ع)» به عدالت در حوزه حکومتی و پیامدهای آن توجه دارد. ریشه این موضوع در این نوشته به مفاهیم کلیدی و اساسی عدالت و رویارویی آن با استبداد اشاره دارد و اینکه سیره علی(ع) به ستیزش بر خودکامگی استوار است. این نوشته ضمن توجه به اهمیت عدالت، آن را با رویکرد اجتماعی-سیاسی، تعریف می‌کند و رابطه با حق، همسانی عدالت با عقل و خرد عملی و ضمانت عدالت برای رعایت عدالت را مورد تأکید قرار داده است. نویسنده بر نهی شدید امام(ع) از استبداد، بردارد و عدالت را بالاترین و برترین مصلحت برای جامعه و سیاست می‌داند.

مقاله سوم با عنوان «امام علی(ع) و ابعاد عدالت اجتماعی» به سفارش‌ها و دستورهای امام علی(ع) در طول زمامداری خود به استانداران و فرمانداران خود در ممالک و سرزمین‌های مختلف اسلامی می‌پردازد و با توجه به شواهد علمی، بهترین برنامه تکامل یافته را به ما نشان می‌دهد. ابعاد و تعالیم عدالت اجتماعی را دقیقاً مشخص می‌سازد. به باور نویسنده، اتحاد فرمانده از کلام و سیره علی(ع)، اصول ترسیم شده و شیوه‌های عدالت سیاسی-اجتماعی معین شده‌اند. به گونه‌ای که ایشان خود، مفهوم عدالت اجتماعی را از گزاره‌های کردار تبدیل کرد و واژه را به عمل رساند. نویسنده به این امر اشاره دارد که عدالت اجتماعی در دیدگاه امام علی(ع)، همه‌جانبه، چندبعدی و همگراست. در همه بالاتر عوامل ضعف عدالت اجتماعی، در جوامع اسلامی از درون است، نه از بیرون.

مقاله چهارم این فصل «امام علی(ع)، عدالت و خشونت» نام دارد. مقاله،

«خسونت بی جا» و اعمال قدرت عریان و استبدادی در حکومت را از «قاطعیت در مقام اجرای عدالت» و «حفظ حکومت اسلامی»، جدا می سازد و به طرح تعبیرهای گوناگون «اقتدار سیاسی» پرداخته و توضیح می دهد که در فرهنگ سیاسی امام علی علیه السلام و حکومت اسلامی، «عدالت» در موجودیت خود به «قدرت» و قاطعیت، محتاج است و «قدرت» نیز در مشروعیت خود، به «عدالت» نیاز دارد. نویسنده در ادامه، میان آرمان گرایی عدالت طلبانه که رکن حکومت اسلامی و علوی است با فرهنگ اصالت غلبه و زور، مرز می کشد و پس از تمایز «عدالت» در نهج البلاغه، به ذکر فرمایش های امام علی علیه السلام در این خصوص می پردازد.

فصل دوم «عدالت سیاسی در دیدگاه اندیشوران معاصر» می پردازد که از اهمیتی به سر، برخوردار است. در مقاله اول با عنوان «عدالت و کرامت انسانی در اندیشه امام خمینی» به رابطه میان عدالت و کرامت انسانی می پردازد. نویسنده معتقد است عدالت بدون حفظ کرامت انسانی، ناممکن است و بدون حفظ روحیه بزرگوار آدمی نمی توان جامعه ای را به عدالت اجتماعی رساند. وی در ادامه تأکید دارد که در جامعه مطلوب، همه امور براساس حفظ کرامت افراد، بنا می شود که عدالت بر این میان، نقشی کلیدی بازی می کند. امام خمینی علیه السلام در همین راستا، تأکید دارد که همه برادر و برابرند و معیار برتری تنها کرامت است. ایشان، هم به تمام شیخ انسان و هم برای حفظ آن بر تشکیل حکومت اسلامی و اجرای عدالت اجتماعی تأکید می ورزید و بر این باور بود که حکمت آفریدگار به زندگی عادلانه ملت مقرر شده است و آن گاه که نظام عدل برپا شود، همه در برابر قانون، مساوی می باشند. زیرا همه به یکسان از نعمت کرامت برخوردارند.

در این نوشته تأکید شده است که از دیدگاه اندیشه اسلامی و امام علیه السلام، عدالت، دارای ظرفیت هایی چون براندازی فقر، برابری فرصت ها، محدود کردن قدرت مطلق، محدود کردن انباشت سرمایه، برآوردن عزتمندان و نیازها و ایجاد رفتارهای صادقانه است که می توانند به نوبه خود، زمینه ساز حفظ

کرامت ذاتی و تحقق کرامت اکتسابی انسان در جامعه باشند.

مقاله دوم این فصل به «عدالت و آزادی در رویکرد آیت‌الله سید محمد باقر صدر» می‌پردازد که تأمل‌ها و اندیشه‌ورزی‌های ارزشمندی در این‌باره داشته است. نویسنده این نکته را بررسی کرده است که شهید صدر به‌عنوان یک فیلسوف سیاسی، در بحث عدالت فلسفی، عدالت را به معنای اعتدال‌گرایی، میانه‌روی، برابری و هرچیز در جای خود و رعایت استحقاق‌ها و نفی تبعیض، گرفته است و در عدالت اجتماعی-سیاسی، آن را به برابری اقتضایی و مساوات حقیقی یا عدالت در توزیع منابع اجتماعی-سیاسی، به‌دور از هرگونه انحراف و کاستی تعریف کرده است. نویسنده بر این باور است که با رویکرد شهید صدر، در بحث عدالت اجتماعی-سیاسی، مصداق‌های عملی و تعریف‌های عملیاتی، اهمیت دوچندان دارند. شهید صدر در بحث ارکان عدالت اجتماعی-سیاسی، به سه واژه مهم «کسب»، «امن» و «تأمین اجتماعی-سیاسی» پرداخته است و تکافل را با دو ضمانت «امن» و «تأمین اجتماعی-سیاسی» که یکی ریشه در فطرت انسان و دیگری به‌سپرده قدرت سیاسی دولت است، مربوط می‌داند و در رکن دوم عدالت اجتماعی-سیاسی، بحث توازن می‌پردازد که آن را به معنای تعادل و برابری در جامعه، در حوزه‌های اقتصادی، فرهنگی و سیاسی می‌گیرد و در تعریف عملیاتی آن به ایجاد فرصت‌ها و برابری برای همه شهروندان معتقد است؛ اما با این قید که در استفاده صحیح یا ناصحیح از این فرصت، شهروندان و اراده آنان، تعیین‌کننده می‌باشد. در بحث از تأمین اجتماعی-سیاسی، منظور ایجاد امنیت توسط قدرت سیاسی است. در بحث آزادی نیز معتقد است که آزادی را کسی به انسان‌ها هدیه نمی‌دهد، بلکه انسان سبب آزادی خود می‌گردد. دلیل اینکه موجودی دارای عقل و اراده است، آزاد می‌باشد. در بیان نویسنده بر این تأکید می‌کند که شهید صدر، در مقایسه آزادی سیاسی-اجتماعی با نظام غرب، اسلام، آزادی حقیقی را در رهایی انسان از قیدهای اسیرکننده اراده و تلاشی برای رسیدن به سعادت و کمال آزادی حقیقی می‌داند.

مقاله سوم این فصل به «فلسفه عدالت، در اندیشه سیاسی مقام معظم

رهبری» می‌پردازد. نویسنده بر این باور است که عدالت در اندیشه ایشان، جایگاه ویژه‌ای دارد و آن را از بنیادهای اساسی معرفت سیاسی، عصاره فضیلت‌های درونی، آرمان‌ها و غایت‌های دایمی فراروی تمام مسائل و موضوع‌های سیاسی می‌داند. نویسنده تأکید دارد که عدالت، راهبرد و راهکاری برای رسیدن به غایت‌ها است و میزانی برای تصحیح رفتارهای ناهنجار و شائبه‌های برای آرایه الگوهای رفتار سیاسی است. مفهوم عدالت بُعدها و مراتب دارد و ویژگی‌هایی مانند جامع، شامل و مطلق، فرازمانی، غایی، مسئولیت‌زایی، تعددآور و... دارد. در پس معنای آن قرار گرفته است. عدالت، در تمام مناسب‌های اجتماعی و سیاسی با بسیاری از مفهوم‌های همسو و هم‌عرض مانند آزادی، حقوق، رفاه و قانون، تلاقی می‌کند. عدالت در اندیشه سیاسی آیت‌الله امامی، بی‌شک اهمیتش، در معرض آفت‌ها و آسیب‌های درونی و بیرونی است و نیاز هموارگی نیاز دارد.

فصل پنجم «عدالت سیاسی و تجربه رشد» نام دارد. در این فصل کوشیده‌ایم تا هم پشتوانه نظری و ارتباطات میان عدالت و پیشرفت را تبیین کنیم و هم تجربه انقلاب اسلامی در ایجاد فرصت‌های برابر سیاسی و حرکت در مسیر عدالت سیاسی را توضیح دهیم. در مقاله اول با عنوان «پیوند عدالت و پیشرفت در حوزه سیاست» بر پیوند عمیق میان عدالت و پیشرفت تأکید شده است. نویسنده بر این باور است که نمی‌توان به یقین گفت که این رابطه، همواره دوسویه است. تجربه نشان داده که پیشرفت، همیشه به عدالت منتهی نمی‌گردد، لیکن اگر عدالت به‌درستی در جامعه فراگیر شود، بستر ساز برای تعالی و پایداری خواهد بود. براساس بنیادهای فکری اندیشه سیاسی اسلام، پیشرفت سیاسی است که عدالت در آن حضوری ماندگار داشته باشد. در گستره سیاسی، قریب به خوبی توزیع شود و عقلانیت و سنجیدگی در کلام و کردار حاکمان و شهروندان تجلی یابد. نویسنده تأکید دارد که با اجرایی شدن عدالت سیاسی و آموزه‌هایی مانند «انتخاب و مشارکت سیاسی»، «محدودیت قدرت» و «رسیدن به حق» که از آن برمی‌آید، بسترهای پیشرفت و توسعه سیاسی مطلوب فراهم

می‌شود که دارای ویژگی‌هایی چون بومی‌گرایی، عقلانیت و واقع‌گرایی است. در مقاله بعد با عنوان «گفتمان عدالت سیاسی در انقلاب اسلامی»، به تجربه انقلاب اسلامی برای آزمودن عدالت و تکاپو و حرکت در مسیر آن می‌پردازد. این نوشته به این بحث می‌پردازد که با لحاظ نسبت موقعیت‌ها، همواره کلیت وضع موجود، گستره وسیعی را با عنوان آینده (وضع مطلوب) پیش رو دارد. راست تغییر نیز معطوف به تغییر جریان‌ها و معادلات به‌گونه‌ای است که برآیند نیروها، آینده را به صورتی مطلوب درآورد. بدین ترتیب چارچوب‌های حرکت در این سیری که بر تولید و توزیع منابع و امکانات دارند، محوری‌ترین بحث در مورد و چگونگی تغییرات از حال به‌سوی آینده هستند، اما خودجوشی تغییرات اجتماعی برخاسته از پویایی درون جوامع است که عنصر مهم اراده انسان را برآورد و بیدار می‌کند؛ آن‌سان که ماهیت ارادی-عاطفی فعالیت‌های انسانی را در این زمینه، نقش بازی می‌کند. نویسنده معتقد است که در هر تغییر اجتماعی‌ای باید برای عناصر انتخاب را جست‌وجو کرد. در دوره جدید، تغییرات فراگیر بنیادی نظام سیاسی همچون انقلاب‌ها را از متغیرهای جدیدی متأثر ساخته است. ازجمله آنها حاکمیت و مشروعیت می‌باشد. هر انقلابی حاصل تجمع نرش‌های مشابه علیه وضعیت نامناسب و نامتناسب چارچوب‌های قدرت حاکم بر مذهب، تولید و توزیع در محدوده زیرسلطه‌ای خود می‌باشد. نویسنده در ادامه آورده است که اکنون در مورد انقلاب اسلامی، به‌عنوان انقلابی که بر محور گفتمان عدالت شکل گرفته است، این پرسش مطرح می‌شود که اجماع آرا در تفسیر عدم تناسب وضع موجود برای حرکت به سمت وضع مطلوب، از کدام منبع و با چه رویکردی نیاز به صورت گرفته است؟ شاید مناسب‌ترین پاسخ، از بعد فرهنگی-اجتماعی انقلاب اسلامی به‌دست آید. به نظر می‌رسد تقویت حساسیت‌پذیری نسبت به نابرابری‌ها و سابقه طولانی در ستم‌ستیزی در چارچوب واجب دینی‌ای که راهکار عملی و اطمینان‌بخش برای زندگی کنونی را دربرمی‌گیرد، تجمع آرا را برای «اعتراض» فراهم آورد؛ اعتراضی که یک روند طولانی از درون به بیرون

بود و انقلاب ۵۷ را به انقلابی مردمی و اجتماعی با ماهیتی اسلامی تبدیل نمود. پس از آن نیز جایگزینی گفتمان عدالت سیاسی به جای استبداد سیاسی سبب شد تا نظام جمهوری اسلامی بر پایه این نگرش که دولت مقتدر در گرو جامعه قوی و جامعه قوی نیازمند پرهیز از نخبه‌گرایی محض در سیاست است، بنا شود.

فصل ششم در نگرشی تطبیقی و انتقادی، به نقد و بررسی عدالت سیاسی دیدگاه اندیشوران غربی می‌پردازد. مقاله اول به نقد و بررسی دیدگاه ایمانوئل کانت یکی از متفکران بزرگ و تأثیرگذار مغرب‌زمین درباره حکومت دینی می‌پردازد. کانت معتقد است که حکومت دینی، ارزش و آزادی انسان را سلب می‌کند و از آزادی و حکومت دینی، غیراخلاقی است. نویسنده ضمن نقد و بررسی این دیدگاه، به این نکته اساسی می‌پردازد که حکومت دینی نه تنها ارزش و آزادی انسان را سلب نمی‌کند، بلکه آن را ارج می‌نهد. در ادامه نویسنده تأکید دارد که ساختار حکومت دینی بر پایه عدالت بوده و هدف آن نیز تحقق عدالت است. ایشان نتیجه می‌گیرند که حکومتی که هم ساختار و هم هدف آن براساس عدالت باشد، امری اخلاقی است و هر امر اخلاقی را عقل عملی گردن می‌نهد؛ بنابراین حکومت دینی امر اخلاقی است که عقل به آن توصیه می‌کند.

مقاله بعد به نقد و بررسی یکی از مشهورترین نظریه‌های عدالت در غرب می‌پردازد که جنبه‌های سیاسی- اجتماعی برجسته‌ای دارد. این مقاله با عنوان «بررسی و نقد نظریه عدالت جان راولز» این دیدگاه را نقد و بررسی کرده است. نویسنده باورمند است که در چند دهه گذشته، دیدگاه‌ها و نظریه‌های فیلسوف آمریکایی - جان راولز - در مورد عدالت، نظریه‌های بی‌شماری را بر خود جلب کرده است. فیلسوف مزبور کوشیده است تا با نظریه‌پردازی خویش در این زمینه، به بازسازی و احیای لیبرالیسم - به‌ویژه نوع سیاسی آن - همت گمارد. این نوشته، دیدگاه این اندیشمند را بررسی کرده، آن را نقد و ارزیابی کرده و نارسایی‌ها و کاستی‌های آن را و انموده است؛ امری که ناکارایی لیبرالیسم

سیاسی - حتی نوع احیاشده - آن را مستدل سازد.

نویسنده تأکید دارد که با وجود نزدیک به چهار دهه تلاش فکری جان راولز برای ساماندهی به مدل و نظریه خویش درباره عدالت، اما تلاش، تجدیدنظر و اصلاح تئوریک وی، موفق نبوده است. نویسنده در ادامه بررسی می‌کند که این نظریه، نوآوری، وحدت و یکدستی و انسجام ندارد و نمی‌توان را مدل عملی برای احیای لیبرالیسم ناکارآمد به‌شمار آورد. نوشته به این امر اشاره دارد که نظریه عدالت راولز، مفهومی خنثا و فاقد بار اخلاقی و ارزشی است. استدلالی که همچنان بر مدار فایده‌انگاری پیش رانده و عدالت را تا حد هوس‌ها و خیال متغیر و مورد پسند جامعه بشری، فروکاسته است.

در ادامه، نویسنده را یادآور می‌شویم:

عدالت سیاسی یکی از زیرشاخه‌های عدالت اجتماعی به‌شمار می‌آید، آن‌گونه که عدالت اقتصادی، فرهنگی و قضایی نیز چنین است، لذا چه بسیار اوقات که نویسندگانی با نام عدالت اجتماعی به بررسی «عدالت سیاسی» پرداخته و می‌پردازند؛ ضمن آنکه عدالت سیاسی و بررسی روابط قدرت سیاسی، و الزامات آن در پیوند با عدالت، چندان قوی و فربه نیست.

- در راستای بند پیشین، برخی از مقالات آنکه عنوان «عدالت اجتماعی» را به‌همراه دارند، اما وقتی که به محتوای آن‌ها نگاه کنیم درمی‌یابیم که رویکرد نوشته، عدالت سیاسی است و به نوع روابط قدرت در جامعه می‌پردازد؛ در برخی از مقالات که به مبانی و مفاهیم کلی بحث می‌پردازد، نوعی اشتراک در انواع عدالت وجود دارد.

- در برخی از مقالات، به‌ویژه مقالاتی که از یک نویسنده است، بخشی از مباحث به‌صورت محدود، تکرار شده است که برای حفظ کلیت و ساختار مقاله، آنها را حذف نکردیم.

- امیدواریم از براینده این مقالات، مقدمات و تمهیداتی برای گام‌های آغازین برای نظریه‌ورزی و تکاپوگری به‌منظور عدالت سیاسی فراهم آید و بستر و زمینه‌ای برای شفاف‌سازی مباحث الگوی عدالت و پیشرفت، آماده سازد.

کتابنامه

۱. فارسی

۱. خداری، حبیب؛ *مفهوم العدل فی الاسلام*؛ ترجمه دارالحصا؛ چ ۱، سوریه؛ دارالصاد؛ تبر و التوزیع، ۱۹۹۸.
۲. صلیبا، جمیل؛ *فلسفه عدل الهی*؛ ترجمه منوچهر صانعی دره‌بیدی؛ چ ۱، تهران؛ نشر حکمت، ۱۳۶۶.
۳. طوسی، محمد بن حسن؛ *تهذیب الاسام*؛ تصحیح و تحقیق علی‌اکبر غفاری؛ تهران؛ انتشارات دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۷.
۴. مطهری، مرتضی؛ *عدل الهی*؛ چ ۱۰؛ تهران؛ نشر صدرا، ۱۳۷۹.
۵. موسی، حسین و عبدالفتاح الصعیدی؛ *فقه اللغه*؛ چ ۴، قم؛ مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۱۰.

۲. لاتین

1. Bentham, Jeremy; *An Introduction to the Principles of Morals and Legislation*; Londen: Adamant Media Corporation, 2005.
2. Edwards, Paul; *Encyclopedia of philosophy*; v.6, Macmillan publishing co. U. s. A, 1967.
3. Postema, Gerald J.; *Bentham and the Common Law Tradition*; londen, p.148.

4. Russel, Bertrand; *Sceptical essays*; published in U.K, David Hume:" A Treatise of Human Nature", Bk. III, Pt.II, Section II, 1992

www.ketab.ir